

تحلیل و نقد و مقایسه دستوری دو بخش کتاب تاریخ سیستان

لیلا جانی^۱، دکتر علی محمد سجادی^۲



تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۱۴

چکیده

تاریخ سیستان یکی از ارزنده‌ترین کتاب‌های تاریخی دوره تکوین است. این کتاب شامل دو قسمت متمایز از یکدیگر است که دو سبک مختلف از دو دوره متفاوت دارد و به وسیله دو تن نگارش یافته است. قسمت اول آن تا حوادث سال (۴۴۵-۴۴۴ هـ) یعنی اوایل عهد تسلط سلاجقه و.... و قسمت دوم بعد از آن را تا حوادث سال (۷۲۵ هـ ق) شامل می‌شود که در اوایل قرن هشتم نگارش یافته است.

بررسی زبانی تاریخ سیستان می‌تواند ویژگی‌های زبان نوشتار دوره‌های آن را از جهت واژگان، دستگاه فعل، نحو، ساخت جمله و... نشان دهد. در این جستار سعی شده است با مقایسه دو بخش این اثر از جهت صرفی و نحوی و محتوایی، تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها بیان شود.

کلید واژه: تاریخ سیستان، نثر فارسی، سبک، صرفی و نحوی.

۱- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد
ناکستان، ناکستان، ایران (نویسنده مسئول). leilajani86@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از قدیمی ترین متون فارسی که از دوره اسلامی به دست ما رسیده تاریخ سیستان یا سیستان‌نامه است، این کتاب درباره رویدادهای سیستان نگاشته شده است که نخستین بار در سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۲ هـ با عنوان تاریخ سیستان بدون تصحیح انتقادی و تنها به انگیزه حفظ متن از خطر نابودی به صورت پاورقی در روزنامه ایران قدیم (از شماره ۷۴۷-۵۶۴) به چاپ رسد. تقریباً یک قرن بعد میلتن گلد در ۱۹۷۶ م ضمن ترجمه این اثر به زبان انگلیسی آنرا تاریخی «اسلامی» معرفی کرد. (پزشک، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۲۹۴)

ملک‌الشعراى بهار این اثر را با افزودن مقدمه‌ای مفصل و سودمند تصحیح کرده است و در ۱۳۱۴ هـ در تهران به چاپ رسانید. بهار در این باره می‌گوید: «اول کسی که ما را به وجود این کتاب نفیس آگاه کرد فاضل محترم آقای میرزا عبدالعظیم خان گرگانی بود که در چند سال پیش از این قسمتی از اشعار محمد وصیف را به عنوان قدیمی ترین شعر فارسی کهن در یکی از مجلات تهران منتشر ساخت. (بهار، ۱۳۶۶: مقدمه مصحح)

«تاریخ سیستان کتابی است با قدمتی زیاد که از نظر تاریخی بسیار اهمیت دارد. در این کتاب از مکان‌هایی نام برده شده که در هیچ کتاب تاریخی و جغرافیایی دیگری بدان‌ها اشاره نشده است. (بهار، ۱۳۴۹ ج ۲: ۴۴)

ذبیح‌الله صفا، درباره سال تألیف این کتاب می‌گوید: این کتاب شامل دو قسمت متمایز از یکدیگر است که دو سبک مختلف از دو دوره متفاوت دارد و به وسیله دو تن نگارش یافته است. قسمت اول آن تا حوادث سال (۴۴۴-۴۴۵ هـ) یعنی اوایل عهد تسلط سلاجقه ... و قسمت دوم بعد از آن تاریخ را تا حوادث سال (۷۲۵ هـ ق) شامل است و در اوایل قرن هشتم نگارش یافته است. (صفا، ۱۳۷۰ ج ۱: ۶۳۲) به نوشته ملک‌الشعراى بهار مصحح تاریخ سیستان، این کتاب بین سال‌های ۴۴۵ تا ۷۲۵ تألیف

شده است اما این کلام خالی از مسامحه نیست زیرا واپسین تاریخی که به سختی از لابه‌لای وقایع صفحه آخر کتاب و مقایسه آن با اثر تاریخی متأخر احیاءالملوک (تألیف شاه‌حسین بن غیاث‌الدین در نیمه اول سده ۱۱ هـ) در این باره می‌توان به دست آورد ۷۲۷ هـ است. بهار تاریخ سیستان را به اعتبار شیوه تحریر آن و ذکر کردن مطالب تاریخی تا سال ۴۴۸ و ایجاد شدن هفده سال وقفه در نقل رویدادهای تاریخی به دو قسمت تقسیم کرده و مولانا شمس‌الدین محمد موالی را مؤلف قسمت نخست و محمود بن یوسف اصفهانی را مؤلف قسمت دوم دانسته است وی این نظر را بر مبنای نوشته احیاءالملوک مطرح کرده است. (بهار، ۱۳۶۶: مقدمه مصحح)

قسمت اول که از آغاز بنای شهر سیستان (زرنگ) در عهد باستان به دست گرشاسب تا سال ۴۴۸ هـ است در زمان ابوالفضل نصر بن احمد (متوفی ۴۶۵ هـ) ملقب به تاج‌الدین، امیر سیستان تألیف شده است و کتاب با حمد خداوند آغاز می‌شود و مؤلف در چند صفحه نخست از برخی شخصیت‌های ایران باستان، یاد می‌کند. مهم‌ترین مطالب قسمت اول: توضیحاتی است درباره عیاران و خوارج سیستان، نامه هارون‌الرشید به حمزه بن عبدالله از رؤسای خوارج در سیستان و پاسخ او به هارون که از گزارش‌های ممتاز و منحصر به فرد این کتاب است و نیز مطالبی جدید درباره تسلط ترکان بر سیستان دارد.

و همچنین بخش اول درباره‌ی رویدادهای سیستان پس از وفات ابوالفضل نصر بن احمد ملقب به تاج‌الدین امیر سیستان (۴۶۵ م تا سال ۷۲۷ هـ است) شرح مؤلف درباره حمله قرامطه به سیستان است و بیشتر مطالب این بخش درباره‌ی رکن‌الدین محمود شاه نیمروز (سیستان) و درگیری‌های او با امیران مغول است. مؤلف در بخش اول شرح آمدن طغرل سلجوقی به سیستان (۸ محرم ۴۴۵ هـ) از او با عبارت ادا الله ملکه یاد می‌کند که نشان‌دهنده زنده بودن مؤلف است. (بهار، ۱۳۶۶: مقدمه)

پس از این هیچ عبارت دیگری دال بر شناسایی مؤلف در متن وجود ندارد. و دنباله مطلب به همان شیوه آغازین تا ۱۴ جمادی الاخر ۴۴۸ هـ ادامه می‌یابد اما ناگهان رشته مطلب می‌گسلد و سیر طبیعی حوادث تغییر می‌کند و پس از ۱۷ سال وقفه حادثه‌ای در ۲۳ جمادی الاخر ۴۶۵ هـ با سبک و سیاق متفاوت گزارش می‌شود به گونه‌ای که جملات کتاب هم از حیث لغت و ترکیب و هم از حیث سیاق تاریخی یکباره عوض می‌شود. جملات مصدری به جای تفصیل مرتب پیش می‌آید و این جمله‌ها متوالی می‌شود و در ضمن آنها گاهی بیست و دو و گاهی شانزده و گاهی یازده سال از متن تاریخ گم می‌شود. (همان: ۲۵) نثر بخش اول کتاب بسیار قدیمی و بر یک نسق و با عباراتی بسیار کهنه و سبکی بس قدیمی که نمودار سبک بلعمی است نوشته شده و بخش دوم تا پایان به سبکی دیگرگونه است که باید آن شیوه را مخلوطی از دوره دوم (قرن ششم) و دوره سوم (قرن هفتم) و عصر مغول دانست. (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۴) تفاوت‌های سبکی دو بخش تاریخ سیستان این نظر را قوت می‌بخشد که بنابر نظر ملک الشعرا بهار دو نویسنده به تألیف این کتاب پرداخته‌اند و بیان ویژگی‌های صرفی و نحوی متفاوت دو بخش کتاب را از نظر سبکی با هم متمایز می‌کند و مجموع واژگان تازی کم در دو بخش کتاب که از ۵٪ بیشتر نیست گواهی است بر نظر بهار در رد عربی بودن اصل کتاب و کهن بودن بخش اول کتاب زیرا کمتر با عربی اختلاط یافته است و در نهایت از نظر استاد بهار بخش اول تاریخ سیستان یک تحریر قرن پنجمی از متنی کهن است و حتی ممکن است اصل آن پیش از بلعمی تدوین شده باشد.

در این پژوهش با نقد و بررسی ویژگی‌های صرفی و نحوی و محتوایی این کتاب به مقایسه دو بخش آن می‌پردازیم و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را بیان می‌کنیم.

مختصات کتاب تاریخ سیستان

- ۱- در سادگی و ایجاز منحصر به فرد است
 - ۲- بیشتر کلمات فارسی به کار برده و در استعمال کلمات عربی مقتصد است.
 - ۳- اگر کلمات عربی استعمال کرده همان‌هایی بوده که گویا مردم عصر استفاده می‌کردند و بیشتر آنها را بلعمی نیز استعمال کرده است.
 - ۴- از نظر لغات غریب فارسی حتی الامکان دوری کرده است.
- دلیل اینکه (قسمت‌هایی از) تاریخ سیستان از جمله بهترین آثار نثر پارسی قرن ۴ و ۵ هجری به شمار می‌آید غیر از کهنگی نثر و گستردگی دایره لغات و فراوانی ترکیبات خاص و استحکام و استواری نسبی حاصل از رعایت قواعد دستوری و سنت زبان است و سادگی بیان مانع از تکلف و تصنع شده است در نتیجه مؤلف فارغ از دغدغه‌های لفظ پردازی به خوبی از عهده ارائه جملات نظام‌مند و دستوری برآمده است که لازمه این امر درستی اجزا و ارکان جمله است. در اینجا به بررسی مباحث مهم صرفی و نحوی این اثر پرداخته مهم‌ترین نمونه‌های دستوری بیان می‌شود.

مقایسه دو بخش متفاوت تاریخ سیستان

بخش اول تاریخ سیستان (به تصحیح ملک‌الشعرا بهار ۱۳۸۱ نشر معین) از صفحه‌ی ۴۹ تا ۳۵۴ است که نویسنده وقایع سیستان را از ابتدا تا سال ۴۴۸ بیان نموده است. بخش دوم از صفحه ۳۳۵ تا ۳۸۲ است که وقایع سال‌های ۷۲۵-۴۶۵ با سرعت و به صورت کلی و مختصر بیان شده است. در بخش اول وقایع با شرح و تفصیل و به زیبایی تمام شرح داده شده است و نویسنده بعد از بیان عنوان وقایع، راجع به چگونگی آن، مطالبی را بیان نموده است: به عنوان نمونه قصه‌ی ابرهه با عبدالمطلب، خواب نصر بن کنانه، داستان سبب آتش کرکوی در نوع خود، بی نظیر است.

نویسنده بخش اول وقایع ۴۴۹ سال را در ۳۰۲ صفحه، و نویسنده بخش دوم وقایع ۲۶۰ سال در ۲۷ صفحه بیان نموده اند که این تعداد صفحات نشان‌دهنده این است که:

- ۱- تاریخ نویسی در این دوره تفنی نیست
- ۲- وقایع در بخش دوم مختصر و کلی و بدون شرح و تفصیل است.
- ۳- نویسنده فقط مباحثی را بیان نموده است که ارزش تاریخی دارد.

اینک برای اثبات این ادعا نمونه‌هایی از دو بخش بیان می‌شود:

آمدن عبدالعزیز به امارت از پیش حارث عبدالله

- او به سیستان آمد و با مردمان نیکویی کرد و گفت، و آن سپاه طلحه را جمع

کرد و بنواخت و خبر بست و کابل کردند که ایشان سربتافته‌اند. (بخش ۱: ۱۳۲)

آمدن برادر طغان - و هو ترشیز ملک، با لشکر انبوه از مغول به نیه و جنگ کردن

بر در نیه و فرود آوردن شمس‌الدین محمدشاه را با رعایا و خانه خیز بردن ایشان را

به قهستان در سال ششصد و هشتاد و هشت (بخش ۲: ۳۷۴) در بخش دوم وقایع

هر سال در یک بند بیان شده است. در صفحه ۳۷۴ وقایع از سال ۶۸۱ تا ۶۸۸ بیان

شده است. در بند اول وقایع سال ۶۸۲ و در بند دوم وقایع سال ۶۸۳ و در بند سوم

وقایع سال ۶۸۴ و وقایع سال‌های ۶۸۴ تا ۶۸۸ بیان نشده و در بند چهارم وقایع سال

۶۸۸ بیان شده است. نویسنده بخش دوم فقط در ۶ صفحه آخر که وقایع سال‌های

۷۲۵-۶۹۴ است، با شرح و تفصیل اتفاقات را بیان نموده است و علت این امر آن

است که نویسنده مستقیماً این وقایع را مشاهده کرده است و از ظرایف و اخبار آن

آگاهی کامل دارد. در این ۶ صفحه‌ی آخر کتاب که وقایع زمان شاه محمود بیان شده

است، بعضی از جملات طولانی‌تر از دوره‌ی قبل است و گاهی نیز از کلمات مترادف

برای طولانی‌تر کردن جملات استفاده شده است. اما بیشتر جملات از نظر طولی مانند

دوره‌ی قبل کوتاه است. چون:

- و آن لشکر خسته و شکسته و بیچاره حال پیش ملک معظم نصیرالحق والدین آمدند. (بخش، ۲: ۳۸۰)

- اتفاق چنان افتاد که لشکر قهستان را هزیمت دادند و منهزم گردانیدند. (بخش ۲: ۳۷۸)

در بررسی یک صفحه از بخش دوم، تعداد جملات ۴۸ جمله و در بررسی یک صفحه از بخش اول نیز تعداد جملات ۴۷ جمله است. این نشان‌دهنده آن است که نویسنده‌ی بخش دوم، قصد داشته به روش نویسنده‌ی بخش اول، جملات را بیان کند. اما در بعضی جاها، ناخواسته از واژه‌های مترادف استفاده نموده و همین امر باعث طولانی شدن جملات گردیده است. قابل ذکر است که اغلب واژه‌های مترادف عربی است و علت این امر ورود لغات بیگانه (عربی و ترکی و مغولی) در زبان فارسی در این دوره است. در بخش دوم قسمتی که افعال به صورت مصدر و وقایع به صورت کلی و مختصر بیان شده جملات نیز طولانی تر شده‌اند.

نمونه:

نشستن امیر اجل بهاءالدوله خلف بن ابی الفضل به امیری هشتم ماه ذی‌الحجه هم بدین تاریخ شدن بهاءالدوله به خراسان و در سیستان نشاندن امیر با منصور با جعفر قوقهی را به امیری و اتفاق کردن مردمان سیستان بر امیر منصور و عاصی شدن وی بر بهاءالدوله به روز آدینه هفدهم ذی‌القعدة به سال چهارصد و هشتاد و سه. (بخش ۳۵۷: ۲)

در بخش دوم قسمتی که افعال به صورت مصدر و وقایع به صورت کلی و مختصر بیان شده جملات نیز طولانی تر شده‌اند.

بخش اول این کتاب در قرن پنجم مقارن با دوره‌ی رشد و تکوین و بخش دوم آن در اوایل قرن هشتم مقارن با دوره فارسی درسی، به رشته تحریر درآمده است.

الف) شباهت‌ها و مشترکات دو بخش:

آمدن کسره‌ی اضافه به صورت «ء» در دو بخش

- و به دره‌اء شارس‌ستان جنگ آغاز کردند. (بخش ۲: ۳۸۲)

- دیگر باره ملک معظم نصیرالحق و الدین عهد‌ه‌اء کرده همه خلاف کرد. (بخش ۲: ۳۸۲)

- و سپاه‌ه‌اء بسیار فوج فوج همی فرستادند. (بخش ۱: ۲۴۳)

تخفیف کنیه‌ها در هر دو بخش:

کنیه‌ها در هر دو بخش با حذف «الف» بیان شده‌اند.

- و کشتن امیر بوالعباس امیر بومنصور بوجعفر سپهسالار را خلق بسیار حرب‌ه‌اء

بسیار به در شهر رفت. (ص ۳۵۸، بخش ۲)

- بو طلحه به شهر اندر و رافع بر در شهر، چون روزی چند بیود. (بخش: ۲۴۰)

حذف به قرینه لفظی در دو بخش:

بسامد حذف به قرینه لفظی در دو بخش بالا است.

- در آن وقت شاه معظم شاه محمود در شکارگاه از اسب خطا شده بود و پای او

شکسته (شده بود حذف قرینه لفظی) (بخش ۲: ۳۸۲)

- و مال‌ه‌اء بسیار و ستوران برگرفتند و براندند. (ص ۱۱۶ بخش ۱) (ستوران را

حذف به قرینه لفظی)

کوتاهی جملات در دو بخش:

- برداشتن امیر بوالعباس از پای شهر و آنجا بود تا به ذی‌القعدة بازخواست

؛ دیگر باره به شهر شد و بگرفتند قلعه ارک فرودتر را، شب شنبه بیست و دویم این

ماه و جنگ کرد. (بخش ۲: ۳۵۶)

- فرمان داد که همه طاعت او دارید و این سپاه را جیش الطواویس نام کردند زیرا

که همه صناید و اشراف و ابناء نعم عرب بودند، پس عبدالرحمن با آن سپاه بیامد.

(بخش ۱: ۱۳۷)

در شواهد بالا، تعداد جملات در نمونه بخش دوم ۶ جمله و در نمونه بخش اول ۵ جمله است.

استعمال عبارت فعلی در هر دو بخش:

در هر دو بخش عبارت فعلی استعمال شده است.

- و منجنیق‌ها بر کار کرد و حرب آغاز کرد. (بخش ۲: ۳۷۹)

- و خزینه و مال جمع کرده‌ی یعقوب و عمرو همه به باد دادند. (بخش ۱: ۲۷۶)

فعل وصفی:

- در هر دو بخش وجه وصفی استعمال زیادی دارد.

- طشتی از زمرد سبز برف کرده و مرا برگرفتند و بر سر کوه بردند. (بخش ۱: ۱۰۱)

و چون مردم آن قصبه از وصول مبارک او خبر یافتند در حال و ساعت استقبال

کرده، پیش آمدند. (بخش ۲: ۳۷۷)

فعل‌های تابع

در هر دو بخش بسامد فعل‌های تابع زیاد است و بطور میانگین با بررسی یک

صفحه از هر بخش حدود ۲ الی ۳ فعل تابع یافت می‌شود مانند:

سپاهی بسیار به یاری ایشان فرستاد که با اسمعیل بن احمد حرب باید کرد.

(بخش ۱: ۲۵۱)

اکنون شهر را نگاه باید داشت، چون یک سال بگذشت گفتند البته به سیستان

می‌باید رفت. (بخش ۲: ۳۸۲)

تفاوت‌های دو بخش تاریخ سیستان

در بخش اول نویسنده گاهی در پایان یک واقعه از زبان خود سخن می‌گوید و اغلب فعل جمع و ضمیر جمع بکار می‌برد ولی در بخش دوم نویسنده وقایع را از زبان سوم شخص بیان میکند و خودش را در ثبت وقایع دخیل نمی‌کند. مانند:

– آمدن لشکر غزنین و امیر بهاءالدوله با ایشان، دیگر باره به پای شارستان سیستان و حصار گرفتن امیر مؤید شارستان را به روز دوشنبه پنجم ماه صفر بدین سال. (بخش ۲: ۳۵۹)

– پس شرط ما اندر اول کتاب آن بودست که انساب بزرگان که نام ایشان یاد کرده شود باز گوئیم و بزرگترین کسی اندر دنیا و آخرت محمد مصطفی علیه الصلوه‌ی و السلام بوده و چون روزگار اسلام یاد کنیم، ابتدا ازو باید گرفت، پس ابتداء به حدیث او کنیم تا این کتاب به یاد او عزیز گردد و بالله توفیق. (بخش ۱: ۷۷)

بیان اشعار فارسی و عربی در بخش اول

نویسنده در بخش اول برای تنوع و جذب خواننده اشعاری به فارسی و عربی از زبان شخصیت‌های تاریخی بیان نموده اما در بخش دوم گویا نویسنده فقط به دنبال بیان سریع تاریخ بوده است، به همین دلیل از این موارد در بخش دوم مشاهده نمی‌شود.

فرخست باادا روش خنیده گرشاسب هوش
همی برست از جوش نوش کن می‌نوش

(بخش ۱: ۷۶ سرود کرکوی)

نویسنده بخش اول حدیث نصر بن احمد با امیر جعفر قصیده معروف رودکی را بیان نموده است با این مطلع»

مادر می‌را بکرد باید قربان بچه او را گرفت و کرد به زندان

این نشان‌دهنده‌ی آن است که نویسنده بخش اول قصد داشته است ضمن بیان

تاریخ، تنوع نیز ایجاد کند تا خواننده از خواندن تاریخ خسته و ملول نشود.

طرز بیان تاریخ ها:

در بخش اول تاریخ‌ها (روز، ماه، سال) به زبان عربی نوشته شده است و اما در بخش دوم نویسنده سال و روز را به فارسی و ماه را به عربی بیان می‌کند. گاهی روز و ماه را عربی و سال را فارسی می‌آورد.

- باز عمر عبدالعزیز فرمان یافت روز آدینه پنج روز مانده از رجب سنه احدی و مایه و چهل و یک ساله بود. (بخش ۱: ۱۴۷)

- از دهم ماه ذی‌الحجه سال چهارصد و هشتاد و شش تا دهم ماه محرم یک ماه آنجا بودند. (بخش ۲: ۳۵۸)

- آمدن به در شهر، غره‌ی ربیع‌الاول همه درین سال (ششصد و شصت و سه) (بخش ۲: ۳۷۰)

فعل‌های آغازی

در بخش اول فعل‌های آغازی گرفتن و ایستادن در موارد معدودی استعمال شده است. ولی در بخش دوم کاربرد این گونه افعال رو به فراموشی نهاده است. و هیچ‌گونه فعل آغازی مشاهده نشد، فقط دو جمله که مفهوم آغاز کردن دارد به این شکل بیان شده است:

- و به دره‌اء شارس‌ستان جنگ آغاز کردند. (بخش ۲: ۳۸۲)

- به در شهر رفتند و حرب آغاز نهادند. (بخش ۲: ۳۸۲)

به کار بردن ترکیبات ویژه در بخش اول مانند:

- سبب کشتن بیشتر آن بود که بر زبانها رفته شده بود که فتنه به سیستان بشر فرقد

همی افکند. (بخش ۱: ۱۶۹)

مصدر مرخم:

- وقت روز برآمد: چنین گویند که سیصد مرد را از شارسطان بکشت، از وقتِ روز برآمد تا نیمروز (بخش ۲: ۳۵۹)

«در معنی» به جای یکی از ادات تشبیه:

- حربی رفت آن جا در معنی حرب بدر. (بخش ۲: ۳۶۰)

- حلیف فراش: یک سال در آن بیماری حلیف فراش بماند. (بخش ۲: ۳۷۹)

- اتفاق مقام افتادن: و چند روز در آنجا اتفاق مقام افتاد. (بخش ۲: ۳۷۵)

- شفقت پدر فرزندی: شفقت پدر فرزندی در نهاد. (بخش ۲: ۳۸۱)

- آتش غیرت: و آتش غیرت بالا گرفت. (بخش ۲: ۳۸۰)

مقایسه در سطح نحوی

افعال مرکب

در بخش اول بسامد افعال مرکب زیاد است و استعمال همکرد «کرد» که معادل یک فعل ساده است، فراوان به کار رفته است که این یکی از راه‌های تفنن در نویسندگی عصر نزدیک به درسی شدن است، چون نویسنده می‌خواهد دچار تکرار نشود. در بخش دوم نیز تعداد فعل‌های مرکب زیاد است اما استعمال همکرد «کرد» در این افعال کمتر به کار می‌رود و همکردها متنوع هستند.

پس از بررسی ۱۳۵ فعل در بخش اول و دوم، در بخش اول ۲۹ فعل مرکب و در بخش دوم ۳۲ فعل مرکب، مشاهده شد.

افعال پیشوندی:

بسامد افعال پیشوندی در بخش دوم، کمتر از بخش اول است. پس از بررسی ۱۳۵

منفعت آن موجودست (بخش ۱: ۶۱)

وجه امری: تو این دو بیت بر جای نویس و نگاه دار. (بخش ۱: ۲۲۳)

وجه تمنایی: تن و جان ما فدای نام تو بادا. (بخش ۲: ۳۸۰)

وجه شرطی: اگر این شغل مرا دهد و بدین رضا دارد من علوی را از طبرستان بر

کنم. (بخش ۱: ۲۵۱)

وجه التزامی: مار همی گیرند و می خورند تا شر ایشان دفع باشد. (بخش ۱: ۱۱۵)

زمان افعال

ماضی استمراری

در بخش اول ماضی استمراری به چهار صورت بیان شده است:

۱- می + فعل - همه شب همی بیرون شد و باز درمی آمد و به آسمان می نگرید

(بخش ۱: ۷۱)

۲- همی + فعل + ای - مردمان هم به امید برکات آن جا همی شدند و دعا همی

کردندی و ... مرادها حاصل همی کردی. (بخش ۱: ۷۵)

۳- همی + فعل - شما بر اثر همی آئید. (بخش ۱: ۱۱۶)

۴- فعل + ی - هر روز دو نور دیدمی که از هوا اندر آمدی. (بخش ۱: ۱۰۲)

در بخش دوم ماضی استمراری بسامد کمتری دارد و تنوع شکل های آن نیز کمتر

شده است. بطوری که در ۶ صفحه آخر که وقایع کامل بیان شده است، ۱ مورد فعل

ماضی استمراری مشاهده شد.

- بدان سبب در سیستان نمی توانست آمدن. (بخش ۲: ۳۸۲)

فعل + ای

- به سال چهارصد و نود و نه در آسمان علامتی پدید آمد هر شبی نماز شام پدید

آمدی تا نیم شب یا زیادت چون ستونی یا مهتر. (بخش ۲: ۳۶۱)

می + فعل

- و خصومت‌ها می‌رفت میان ایشان تا آخر الامر تاج الدین بشد. (بخش ۲: ۳۶۱)

فعل مضارع

پس از بررسی ۱۳۵ فعل، در بخش دوم، ۹ فعل مضارع مشاهده شد که بیشتر آنها مضارع اخباری است. در بخش اول که در دوره رشد و تکوین نوشته شده است، مضارع اخباری و مضارع التزامی از یکدیگر متمایز نشده‌اند. ولی در بخش دوم که در دوره فارسی درسی نوشته شده است، بیشتر فعل‌های مضارع اخباری با شکل امروزی (می + بن مضارع + شناسه) به کار رفته‌اند و فعل‌های مضارع التزامی بدون عنصر صرفی «ب» بر سر این افعال بیان شده‌اند. دکتر خانلری در بیان مشخصات دوره فارسی درسی، متمایز شدن دو وجه اخباری و التزامی در مضارع از یکدیگر را بیان می‌کند. مضارع اخباری مانند:

- و این ساعت همچنان مقرر می‌دارند و ... با هم می‌گذرانند. (بخش ۲: ۳۸۲)

- و چون که ایشان مرا هزیمت دادند ترک از سیستان گیرم و به همان گوشانه

راضی شوم. (بخش ۲: ۳۸۰)

مضارع التزامی مانند: - امروز چون پشیمان گشته‌ای راه باز ده تا به من ولایت خود

روم. (بخش ۲: ۳۸۱)

- اگر خواهی ترا نمایم که به کدامین جای به آسمان اندر شدند. (بخش ۱: ۱۰۲)

- و بر آن جبهه نبشته بود که هر آن وقتی که ببیند که این خون قطره قطره از این جبهه

بچکد و جبهه سپید گردد بدانید که عبدالله پدر محمد مصطفی - علیه السلام - اندرین

جهان آمده. (بخش ۱: ۱۰۲)

ماضی بعید

در بخش اول و دوم بسامد ماضی بعید زیاد است با این تفاوت که در بخش اول فعل «بوده بود» استعمال زیادی دارد. ولی در بخش دوم این فعل به کار نرفته است.

ماضی نقلی

در بخش اول بسامد فعل ماضی نقلی زیاد است، به دو شکل:

۱- به صورت صفت مفعولی + ام، ای، است / ایم، اید، اند

۲- ماضی نقلی با حذف‌های بیان حرکت و حذف «ا» در سوم شخص مفرد. مانند:

نشاندست

در بخش دوم بسامد این فعل کمتر است و به روش امروزی (نوع اول) ساخته شده است.

-از هر گفت: من نکانک و پزند زال خورده‌ام. (بخش ۱: ۲۶۴)

-گفت: جواب کن نامه عمرو چنانکه درخواستست. (بخش ۱: ۲۵۱)

-امروز چون پشیمان گشته‌ای، راه بازده. (بخش ۲: ۳۸۱)

افعال معلوم و مجهول

بسامد افعال مجهول در بخش اول و دوم بسیار کم است، و پر بسامدترین فعل

مجهول در هر دو بخش، فعل «گشته شد» است.

خیلی سریع و گذرا مطالب را از زبان سوم شخص بیان نموده است. در حالی که در بخش اول وقایع با شرح و تفصیل و گاهی آمیخته با حکایت بیان شده‌اند و همین امر سبب تنوع زمان افعال گردیده است.

معانی فعل رفت در دو بخش:

رفت- انجام شد:

- و کارها بر دست بوالفتح همی رفت. (بخش ۱: ۳۰۹)

- که چون وقایع اوفتاد میان مسلمانان و کارها رفت که اندر کتاب و سنت آن را

حجتی ندیدند زان فروماندن. (بخش ۱: ۱۳۴)

رفت= شد:

- و پیش زره بسیاری خرابی رفت. (بخش ۲: ۳۸۲)

رفت= بود:

- و خصومت‌ها می‌رفت میان ایشان تا آخر الامر تاج‌الدین بشد. (بخش ۲: ۳۶۱)

- و حرب‌ها می‌رفت (بود) میان ایشان تا به سلخ ماه صفر به سال چهارصد و نود

و دو. (بخش ۲: ۳۶۰)

در بخش دوم فعل‌های ربطی متنوع شده‌اند و این تنوع نشان‌دهنده تفنن در

نویسندگی واز ویژگی‌های فارسی درسی است.

معانی فعل شد در دو بخش

شد= رفت:

- چون عبدالله [بن] محمد صالح چنان دید برخاست و به دامغان شد. (رفت)

(بخش ۱: ۲۲۲)

شد= کرد:

- چون صالح یقین شد که [یعقوب] قلعه بخوهد ستد، خویشتن را بکشت.

فراوانی، باقی، چون، تمامت، چنین، البته، اکنون، پیرامون، کَرْت، هیچ

قیدهای مرکب در بخش اول

اندرین وقت اندر، اندر ضمن، اندر کوی گوشه، اندر آن وقت، اندرین سه سال،
بر اثر (=به دنبال)

ترکیب "چون+ چنان و چون+چنین" در بخش اول بسامد بالایی دارد. اما در بخش
دوم ۱ مورد بیان شده است.

«ترکیب کلمات+ چند» مانند: روزی چند، یک چند، هر چند، در بخش اول بسامد
بالایی دارد.

ترکیب برین جمله، ز آن جمله، بر آن جمله، در بخش اول بسامد بالایی دارد.

قیدهای مرکب بخش دوم:

آنجا، دیگرباره، چند نوبت

در حال و ساعت، در آن وقت

در پنهان، بدان سبب

همه شب، برین قرار

چندگاه، از جهت

همچنین و همچنان، چون چنین

در هر دو بخش «بسیار» به عنوان قید و صفت بیان شده است.

- و این مجادلت میان ایشان مدت دو ماه طول بکشید و بسیاری مردم هلاک شد.

(بخش ۲: ۳۸۲)

- عامه مردمان را بسیار آن جا کشت. (بخش ۱: ۱۷۵)

در بخش اول تنوع قیدها بیشتر است زیرا نویسنده غیر از بیان هر رویداد به

توصیف مکان و زمان آن نیز پرداخته است و برای اینکه تصویر صحیحی از وقایع پیش چشم خواننده قرار دهد از قیدهای متنوعی استفاده نموده در حالیکه نویسنده بخش دوم فقط به ذکر هر رویداد بسنده کرده بدون آنکه آن را از نظر زمانی و مکانی شرح دهد. در هر دو بخش قیدهای عربی وجود دارد اما بسامد این قیدها در بخش اول بیشتر از بخش دوم است که می‌توان فهمید بخش دوم برخلاف نظر برخی ترجمه از عربی نیست.

مقایسه صفت در دو بخش تاریخ سیستان

در بخش اول، نویسنده در میان توصیف حکایات و رویدادها صفت‌های زیاد و متنوعی به کار برده است. این امر موجب شده که تنوع و تعدد صفت در بخش اول بیشتر از بخش دوم باشد. صفت‌هایی که در بخش اول به کار رفته عبارتند از:

۱- صفت‌های فارسی ساده مانند: بسیار

۲- صفت‌های مرکب از ترکیب نیکو + اسم مانند: نیکو روی

۳- صفت از ترکیب اسم + اسم مانند: علم‌دوست

۴- صفت‌های مشتق از ترکیب:

اسم + ناک مانند: خشمناک

اسم + ین و ینه مانند: زرینه و سیمینه، زرین

بن مضارع + ـ نده مانند: دارنده، آورنده

اسم + گونه مانند: تیزگونه، ضعیف‌گونه

بن ماضی + ه مانند: گردیده، آراسته

۵- صفت‌های عربی مانند: مبارک، صعب

در بخش دوم، اغلب صفت‌ها ساده و عربی هستند. صفت‌هایی که در ۶ صفحه آخر

بخش دوم این کتاب بیان شده است:

۱- صفت‌های عربی: مبارک، مختصر، مثمر، صعب، محروسه و تکرار "معظم" به

عنوان صفت در ۳۸ مورد

۲- صفت‌های فارسی: بسیار، پیر، شکسته، خسته، بیچاره

در بخش اول بین صفت و موصوف «ی» نکره به کار رفته است. و صفت گاهی

بافاصله آمده که در بخش دوم این طور نیست.

- اندر میان آن بازرگانان مردی کاری بود. (بخش ۱: ۱۱۶)

- مردی بود پاک‌دین و نیکو سیرت (بخش ۱: ۱۴۶)

در بخش اول صفت «بزرگوار» بسامد بالایی دارد و هم برای جاندار و هم برای

بیجان به کار برده شده‌اند. ولی در بخش دوم این صفت اصلاً به کار نرفته است.

صفت و موصوف مقلوب

در بخش اول صفت و موصوف مقلوب بسامد بالایی دارد ولی در بخش دوم از

این گونه صفت ۳ مورد مشاهده شده است.

- و چون تنی چند به قتل آمده بودند. (بخش ۲: ۳۸۰)

- و بسیاری مردم هلاک شد (بخش ۲: ۳۸۲)

استعمال صفت برتر:

در هر دو بخش صفت برتر وجود دارد.

- آمنه نیکوتر و پاکیزه‌تر از زنان قریش بود. (بخش ۱: ۹۳)

- که پسر مهتر ملک معظم نصیرالحق و الدین است. (بخش ۲: ۳۷۶)

در هر دو بخش گاهی صفت برتر پیش از موصوف آمده است و با نشانه کسره به

- ۱- نشانه مفعول صریح
- ۲- «را» در مفهوم حرف اضافه
- ۳- «را» قبل از مفعول مانند: آوردن چند کس را از مهتران ایشان (بخش ۲: ۳۷۲)
و در بند کردن یکی را از مهتران ایشان (بخش ۲: ۳۷۱)
انواع «ی»
در بخش اول «ی» انواع زیادی دارد و کاربرد آن متنوع است ولی در بخش دوم کاربرد آن محدود است.
کاربرد انواع «ی» در بخش اول
ی استمراری-ی شرطی-ی تمنا-ی اضافه که صورتی از کسره است-ی شناسه-ی
وحدت-ی زاید-ی التزامی و وجه ساز-ی نکره میان صفت و موصوف
کاربرد انواع «ی» در بخش دوم:
ی نکره-ی وحدت-ی مصدری-ی اضافه-ی استمراری-ی میان عدد و معدود-ی زاید
نمونه مثال در بخش دوم
۱-ی نکره: با شاه معظم رکن الدین محمود گفتند که با تو عهد و میثاق می کنیم که
به هیچ نوع بر تو گزندی نرسانیم و نقض عهد نماییم. (۳۶۸)
۲-ی وحدت: درین سال بود که نرخها عزیز شد گندم منی تا دویست درم نقد
شد. (۳۷۸)
۳-ی مصدری: حرکت پدری و عزت مخدومی تو نگاه می دارم و خود را در
معرض تو نمی آرم. (۳۸۰)
۴-ی استمراری: هر شبی نماز شام پدید آمدی تا نیم شب (۳۶۱)
۵-ی میان عدد و معدود: و آن مردی بیست که با وی بودند آن جا او زهار داد. (۳۵۶)
۶- ی زاید: و به سیستان آوردند به سال ششصد و پنجاه و یکی (۳۶۸)

نمونه مثال در بخش اول:

۱-ی استمراری: هر چه بدیدى خواستى به کمند گرفتى و خواستى مکابره (۸۲)

۲-ی شرط: اگر مرا دینار بودى و تو هم چنین تا هزار بیت همى گفتى هر بیتى را

هزار دینار دادمى (۲۶۴)

۳-ی تمنا: کاشکى که عبدالمطلب نزدیک من آیدى. (۹۸)

۴-ی شناسه در فعل امر: باز گفت بار خدایا فرشتگان فرستى تا بر شیت گواه کنم.

(۷۹)

۵-ی وحده: نورى بزرگوار از او پدید آمد و او را قریش گفتند. (۸۷)

۶-ی التزامی و وجه‌ساز: و خواستند که او را و سپاه او را همه بکشتندى. (۲۰۴)

۷-ی زاید: و با مردمان نیکویی کرد هشت سال تا آنگاهی که مهدى فرمان یافت. (۱۶۷)

۸-ی استمراری: و همه پیلان ابرهه را سجده کردى و آن یک پیل نکردى. (۹۱)

۹-ی اضافه که صورتی از کسره است: عیسى بن على بر اثرى وى با سپاه برفت. (۱۷۵)

۱۰-ی نکره میان موصوف و صفت: حربى بزرگ بود. (۱۷۰)

در بخش دوم «ی شرط، ی تمنا، ی شناسه در فعل امر، ی التزامی، ی وجه‌ساز، ی

زاید، ی نکره میان موصوف و صفت» به کار نرفته است.

توالی اجزای جمله:

در بخش اول اجزای جمله‌ها به شکل‌های مختلف جابه‌جا شده‌اند ولی صورت

غالب جملات نهاد + مفعول / متمم / مسند + اسناد است.

گونه‌های مختلف توالی محور همنشینی در بخش اول

۱- ذکر قید حالت پس از اسناد

- آن بازرگانان را اندر یافتند خفته. (۱۱۶)

۲- ذکر مفعول بعد از اسناد

- و الیاس همیشه تلبیه کردن حضرت رسول علیه السلام می شنیدی و می گفتی

مردمان را. (۸۶)

۳- آمدن نهاد بعد از اسناد یا در انتهای جمله

- نماز بر وی پسر او کرد عبدالملک بن مروان. (۱۳۳)

گونه‌های مختلف توالی محور همشینی در بخش دوم

در بخش دوم ترتیب اجزای جمله همان توالی غالب است و ترتیب اجزای جمله ثابت است و این تفاوت به این دلیل است که «در ترکیب کلمات و عبارات در ساخت جمله در دوره فارسی درسی تغییراتی حاصل شد به این طریق که آزادی دوره پیشین در ترتیب اجزای جمله محدود شد و در این امر یکنواختی جای تنوع و آزادی را گرفت.» (خانلری ۱۳۷۷ : ۲۱-۱۸)

مقایسه در سطح واژگان

در بخش اول استفاده از لغات پهلوی بسامد زیادی دارد:

- اندر: اندر کتاب بلدان و منافع آن که یاد کرده‌اند. (۶۱)

- سدیگر: روز سدیگر که به سیستان آمد او را بکشتند. (۱۹۶)

- خسییدن: برو اندر زیر درخت وعد بخست. (۸۳)

- پتیاره: و رستم دستان با وی، و آن تاریکی و پتیاره دیوان به فرّ ایزد- تعالی- بدید

که آذرگشسب پیدا گشت. (۷۵)

- بر آستای به معنی در حق: اما اگر این همه برای آن همی کند که من بر آستای

حرم و اسباب وی کردم تا مکافات آن باشد. (۳۱۴)

- نزدیک به معنی نزد: چون به نزدیک آن مردم شود اگر هیچ چیزی آلوده بر آن افکند آن ریگ بنالد. (۶۰)
- نزدیکان به معنی نزدیک: چون به نزدیکان شهر برسید نابیوسان با نصر حمدان کوینی را بکشت. (۲۸۸)
- خداوند به معنی صاحب: هر چه خداوند بدانستند برگرفتند. (۲۸۳)
- ایما به معنی ما: اکنون ایشان را و ما را جان ماند همی کند، با نه ایما ماند و نه ایشان. (۲۷۶)
- ستوران به معنی چهارپایان، او مال و بنه و ستوران او همه غارت کردند. (۲۸۷)
- یارگی: به معنی توانایی: و به طبس آمد و یارگی نداشت که به سیستان آمدی. (۲۸۵)
- دوزخ به معنی جهنم: گفت: من امروز از دوزخ رستم و به بهشت رسیدم مرا بیش سیستان نباشد. (۲۸۹)
- نماز بام به معنی نماز صبح: و دیگر روز دوشنبه نماز بام حصار بستند. (۳۵۰)
- راه به معنی دفعه: این راه هشتاد و یکم عبدالرحمن هزیمت شد. (۱۴)
- جولاهه به معنی بافنده: اندرین میانه جولاهه‌ای برخاست از نواحی اوق نام او ملیخ. (۲۹۱)
- پیش کردن به معنی بستن: و آن جا فرود آمد تا دره‌اء شارستان پیش کردند. (۲۷۲)
- نماز پیشین به معنی نماز ظهر: و او و یاران که از نیه به شبی آمده بود و دیگر روز تا گاه نماز پیشین (۲۷۳- ۲۷۴)
- نماز دیگر به معنی نماز عصر: و کثیر بن احمد را بکشتند نماز دیگر. (۲۹۵)
- ولی در بخش دوم استعمال لغات کهن بسیار کمتر شده است.
- خداوند (به معنی پادشاه): آمدن ملوک کرمان و بم... به حضرت خداوند ملک اسلام. (۳۷۶)
- خداوند زاده به معنی بزرگزاده: باز آمدن خداوند زاده نصرت در جانب بست و

مصاف کردن شهاب الدین محمود باحری. (۳۶۴)

- ستدن به معنی گرفتن: و ستدن حصار قضدار مشکى. (۳۶۸)
 - نماز پیشین به معنی نماز مغرب، تا نماز پیشین حرب میان ایشان قائم بود. (۳۷۸)
 - خجاره به معنی کم: و باز فروختن او نیمى درق را به پانزده هزا دینار (که) بستند در مدتی خجاره. (۳۶۰)
- *غوغا در هر دو بخش به معنی بزرگان به کار رفته است.

استعمال لغات مترادف

در هر دو بخش کلمات مترادف مشاهده می‌شود ولی در بخش دوم بسامد مترادف بیشتر است. گاهی این لغات در کنار هم در یک جمله، به کار رفته‌اند. بیشتر لغات مترادف بخش دوم فارسی و عربی هستند. بطوری که نویسنده بخش دوم ضمن آوردن کلمه فارسی بلافاصله مترادف عربی آن را هم بیان نموده است.

خراب و ویران

- و عمارت فرمودن که از هنگام بهمن اسفندیار خراب و ویران مانده بود. (بخش ۲: ۳۷۳)

عهد و میثاق

- و با شاه معظم رکن الدین محمود گفتند که با تو عهد و میثاق می‌کنیم که به هیچ نوع بر تو گزندى نرسانیم. (بخش ۲: ۳۷۸)

اکابر و بزرگان

- تمام اکابر و بزرگان ولایت زره به نزدیک او رفتند. (بخش ۲: ۳۸۲)

املائی کلمات

در بخش اول در موارد معدودی املائی کلمات با شکل امروزی تفاوت دارد. مانند کلمه قفص به جای قفس، کی به جای که و خوردان به جای خردان. در بخش دوم هم در موارد معدودی اینگونه است مانند:

شست به جای شصت

- آمدن امیر بدرالدوله والدین، به سال چهارصد و شست و هفت (بخش ۲: ۳۵۵)
- کبور کردن به جای که به ور کردن (برکندن): کبور کردن قرامطه آمده بود. (بخش ۲: ۳۵۸)
- بوفات به جای به وفات: تا بوفات سلطان ملکشاه بود. (بخش ۲: ۳۵۸)

به کار بردن کلمات عربی در دو بخش

در بخش اول کتاب درصد کلمات فارسی به کار رفته بیشتر از عربی است اما در بخش دوم کتاب درصد لغات عربی بیشتر است و علاوه بر عربی، لغات ترکی و مغولی هم به کار رفته است.

استعمال کلمات غیر فارسی

بنابر نظر دکتر خانلری: «لغات و اصطلاحات مغولی و ترکیب در طی دو قرن فرمانروایی ایلخانان مغول به وفور در فارسی داخل شد و این لغات بیشتر اصطلاحات لشکری و کشوری است. (خانلری ۲۰: ۱۳۷۷)

و این نوع کاربرد واژگان نشان‌دهنده تفاوت بودن نثر دو بخش از جهت سبکی و تاریخی است و همچنین متفاوت بودن نویسندگان دو بخش تایخ سیستان است.

در اینجا به چند مورد از استعمال لغات غیرفارسی در بخش دوم اشاره می‌کنیم:
 قلان و قبجور: و رسم قلان و قبجور نهادن. (بخش ۲: ۳۶۷)
 نوکران: چند نوبت شاه معظم رکن الدین محمود با نوکران خود در نواحی
 سیستان می‌آمد. (بخش ۲: ۳۷۹)

استعمال لغات عربی

در بخش اول لغت عربی «حرب» بسامد بالایی دارد. بطوری که گاهی در یک صفحه، ۵ بار این لغت مشاهده می‌شود. ولی در بخش دوم با اینکه بسامد لغات عربی بیشتر از لغات فارسی است، نویسنده گاهی به جای لغت حرب، مصاف کردن، جنگ کردن را بیان نموده است.

در بخش دوم لغت عربی «قرب» بسامد بالایی دارد.
 پس از بررسی لغات در بخش اول از ۳۷۰ اسم، ۱۲۱ اسم عربی مشاهده شد.
 و پس از بررسی اسم‌ها در بخش دوم از ۱۰۰ اسم، ۴۳ اسم عربی مشاهده شد که
 از این بررسی نتیجه می‌گیریم در بخش دوم درصد استفاده از لغات عربی بیشتر از
 لغات فارسی است.

علامت جمع و نوع آن در دو بخش تاریخ سیستان

جمع بستن جمع مکسر عربی با علامت جمع فارسی
 در بخش اول جمع‌های مکسر با «ها» علامت جمع فارسی جمع بسته شده‌اند. در
 بخش دوم نیز جمع‌های مکسر با «ات»، نشانه جمع عربی جمع بسته شده است.
 - بسیار عجایب‌ها بود او را به نور محمد مصطفی علیه السلام. (بخش ۱: ۹۰)
 - و عطیت که تو دادی از خزینه ما را، و بسیار حدثان که از ما افتادست. (بخش ۱: ۲۵۴)

- گرفتن آن ولایت و آوردن ملکان آن ولایت به خدمت. (بخش ۲: ۳۶۶)
- در هر دو بخش نویسنده تمایل دارد از جمع‌های مکسر عربی استفاده کند.
- در بخش اول: فضایل، انساب، عمال، صحابه، دهاقین، ضیاع و ...
- در بخش دوم: رنود، رعایا، ملوک، امرا، اکابر، حوالی اتباع و ...

جمله‌های دعایی

در بخش اول جمله‌های معترضه مختص خداوند، حضرت محمد، پیامبران، امامان، عمرو ابوبکر و عثمان است. ولی در بخش دوم برای پادشاهان و فرزندان آنها نیز جمله‌های دعایی متنوع به کار برده شده است. این جمله‌های دعایی متنوع در بخش دوم سبب اطناب کلام می‌شود.

- معد چون نور مصطفی - صلوات الله علیه - اندرو بدید قربان‌ها بسیار کرد.
(بخش ۱: ۸)

- آمدن لشکر قرامطه - خذله‌م الله - به درق و کشتن دانشمند بوالحسن قاضی را.
(بخش ۲: ۳۶۰)

- فرستادن سپهسالار کبیر شجاع‌الدین، افتخار نیمروز، قاسم بن محمود را - دام اقباله - به حکومت قلعه کاه در بیستم ذوالحجه هم درین سال. (بخش ۲: ۳۷۲)

جمله‌های معترضه که در بخش اول به کار رفته است: صلی الله علیه و سلم، علیه السلام، صلوات الله علیه، تعالی و تقدس و رضی الله عنه است. ولی جمله‌های معترضه در بخش دوم متنوع‌تر است: خلدالله ملکه، دام اقباله، دام دولته، نورالله قبره، عزّ و جل، نوره الله مرقده، لعنهم الله و خذله‌م الله است.

نتیجه

تاریخ سیستان یا سیستان‌نامه یکی از مهمترین متون تاریخی است چون مؤلف یا

مؤلفان کتاب ناشناخته هستند باعث شده تا این اثر در بین آثار تاریخی ناشناخته باقی بماند. شیوه و سبک کتاب آن را جزء قدیمی ترین آثار فارسی قرار می‌دهد، بطوری که از تاریخ بیهقی، و گردیزی نیز کهنه‌تر می‌نماید و هم طراز تاریخ بلعمی می‌کند.

سبک کتاب از جهت شیوه نگارش به دو بخش تقسیم شده، بخش اول (که بیشترین حجم کتاب را در بر می‌گیرد) در دوره رشد و تکوین نوشته شده از این رو تمام مختصات صرفی و نحوی آثار این دوره را داراست و بخش دوم (که حجم کمی از کتاب را در بر می‌گیرد) در دوره فارسی درسی نوشته شده است و دارای ویژگی‌های صرفی و نحوی آثار این دوره است زبان این اثر متناسب با موضوع آن (بیان تاریخ) ساده و خالی از تکلف است و از نشانه‌های سادگی و مختصات زبانی این اثر وفور فعل‌های ساده است حتی افعال مرکب این اثر بیشتر با همکرد «کرد» همراه است که معادل با فعل ساده می‌شود. و این حاکی از نثر روان و ساده تاریخ سیستان است همچنین در ایجاز منحصر به فرد است. و در بخش اول استعمال کلمات عربی بسیار کم و گاهی در یکی یا دو جمله (غیر از اسامی خاص یا تواریخ) است. در بخش دوم، با توجه به دوره تاریخی استعمال کلمات عربی و علاوه بر آن مغولی و ترکی بیشتر است اما درصد لغات عربی در کل اثر بیشتر از ۵ درصد نمی‌شود که گواهی است بر نظر بهار در رد عربی بودن اصل کتاب. همچنین کتاب دارای دو مؤلف بوده زیرا در بخش اول گویی مؤلف حوادث را خود مشاهده نموده و با شرح و تفصیل بیان می‌کند. و برای دوری از ملالت خواننده تفنن به کار می‌برد و گاهی اشعاری از شاعران عرب و فارسی‌زبان بیان می‌کند اما در بخش دوم مقصود نویسنده فقط بیان وقایعی است که ارزش تاریخی دارند از این رو با سرعت و خیلی کلی وقایع را بیان نموده است شاید نویسندگان دوبخش لهجه یکسانی داشته‌اند زیرا بر خلاف ویژگی‌های صرفی و نحوی از جهت آوایی شباهت زیادی با هم دارند.

منابع

۱. ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۷۵) تاریخ زبان فارسی. انتشارات سمت، تهران.
۲. اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۷۶) تاریخ مختصر ادبیات ایران از قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخی تا ظهور غزنویان. به کوشش میرهاشم محدث، نشر نیما، تهران.
۳. -----، (۱۳۶۹) مجموعه مقالات. گردآوری و تدوین دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، چاپ اول، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
۴. باثورت، ادموند کلیفورد، (۱۳۷۰) تاریخ سیستان از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان. ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۵. باطنی، محمدرضا، (۱۳۸۲) نگاهی تازه به دستور زبان فارسی. چاپ دهم، انتشارات آگاه، تهران.
۶. بهار، محمدتقی، (۱۳۶۹) سبک‌شناسی نثر. انتشارات امیرکبیر، تهران.
۷. -----، (۱۳۴۹) سبک‌شناسی نثر. ۳ جلدی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۸. بی‌نا، (۱۳۶۶) تاریخ سیستان. تصحیح ملک‌الشعراى بهار، انتشارات پدید (خاور)، تهران.
۹. -----، (۱۳۸۱) تاریخ سیستان. تصحیح ملک‌الشعراى بهار، انتشارات معین، تهران.
۱۰. پزشک، منوچهر، (۱۳۸۵) تاریخ سیستان. پزشک، مندرج در دایره‌ی‌المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایره‌ی‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۲۹۴
۱۱. خانلری، پرویز، (۱۳۷۲) دستور تاریخی زبان فارسی. به کوشش دکتر عفت مستشارنیا، نشر توس، تهران
۱۲. -----، (۱۳۷۷) تاریخ زبان فارسی. انتشارات نشرنو، تهران
۱۳. خطیبی، حسین، (۱۳۶۶) فن نثر در ادب پارسی. انتشارات زوار، تهران
۱۴. خیام‌پور، عبدالرسول، (۱۳۸۴) دستور زبان فارسی. انتشارات ستوده، تهران.

۱۵. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۲) سبک‌شناسی نثر. چاپ هفتم، انتشارات میترا، تهران.
۱۶. -----، (۱۳۷۸) نقد ادبی. انتشارات فردوس، تهران.
۱۷. -----، (۱۳۷۸) کلیات سبک‌شناسی. چاپ پنجم، انتشارات فردوس، تهران.
۱۸. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۶) صور خیال در شعر فارسی. چاپ سوم، انتشارات آگاه، تهران.
۱۹. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۹) حماسه‌سرایی در ایران. انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران.
۲۰. -----، (۱۳۷۰) تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات ققنوس، تهران
۲۱. -----، (۱۳۷۰) گنجینه سخن پارسی‌نویسان بزرگ و منتخب آثار آنان. انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۲. -----، (۱۳۶۸) مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی. چاپ سیزدهم، انتشارات ققنوس، تهران.
۲۳. کشاورز، کریم، (۱۳۶۸) هزار سال نثر پارسی. انتشارات آموزش انقلاب اسلامی (شرکت سهامی)، تهران.
۲۴. محجوب، محمدجعفر، (۱۳۴۵) سبک خراسانی در شعر فارسی. انتشارات فردوس، تهران
۲۵. معین، محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی. چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۶. نفیسی، سعید، (۱۳۶۳) تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی. انتشارات کتابخانه سنایی، تهران.
۲۷. -----، (۱۳۶۹) حماسه‌سرایی در ایران. انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۸. هاجری، ضیاء‌الدین، (۱۳۷۷) فرهنگ وندهای زبان فارسی. انتشارات آوای نور، تهران..